

## بررسی اجمالی ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی (استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی برخلاف حق)

سیرالله مرادی\*

استادیار گروه حقوق دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد

مرتضی عرب

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد

اسلامی واحد نراق

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۲/۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۲/۲)

### چکیده:

حقوق تامین اجتماعی، به عنوان شاخه ای نو پا در حقوق فعلی ایران مطرح است. یکی از مهم ترین مواد قانون تامین اجتماعی ماده ۹۷ است که در این نوشتار با هدف تبیین موضوعی این ماده به عنوان یکی از مقررات کیفری تامین اجتماعی، آسیب شناسی و نیز گسترش ادبیات حقوقی تامین اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد مقررات کیفری مندرج در آن ماده از حیث جرم و مجازات منطبق با اهداف عام و خاص مقنن در وضع این ماده کیفری نیست.

### واژگان کلیدی:

تامین اجتماعی، بیمه، حقوق کیفری، کارفرما، کارگر، مزایا.

Email: Sm.moshaver@yahoo.com

\* فاکس: ۴۴۲۱۶۶۳ - ۰۳۸۱

از این نویسنده تاکنون مقاله زیر در همین مجله منتشر شده است:

«نگاهی اجمالی به دیوان بین‌المللی دادگستری و نقش آن در حل و فصل اختلافات بین‌المللی با عطف توجه به مسائل ایران در دیوان» سال ۱۳۸۹، شماره ۶.

## مقدمه

قانون تامین اجتماعی مهم ترین منبع حقوق تامین اجتماعی و حقوق تامین اجتماعی خود شاخه ای نوپا در کشور است. در بیان مفهوم حقوق تامین اجتماعی این گونه آمده است: «اگر با مقداری مسامحه بپذیریم که تامین اجتماعی اصلی است که به گونه ای جهانشمول مورد پذیرش قرار گرفته و بنا بر آن است برای هر فردی در دوران زندگی حداقل نیازهای اجتماعی را فراهم کند، حقوق تامین اجتماعی باید شامل مقرراتی باشد که حدود این تکلیف را برای جامعه و شرایط برخورداری از آن حقوق را برای اعضای جامعه یعنی افراد انسانی مشخص کند» (عراقی، ۱۳۸۲: ۸). و نیز حقوق تامین اجتماعی را مجموع مقررات حاکم بر سازماندهی و جمع آوری کمک ها و توزیع مجدد آنها به منظور حفظ یا اعاده تعادل اقتصادی افراد جامعه می دانند (امینیان، ۱۳۶۹: ۳). در هر حال، مقررات مندرج در قانون تامین اجتماعی است که حدود و نحوه بهره مندی افراد مشمول را بیان می دارد و به لحاظ اینکه یکی از مهم ترین منابع صندوق تامین اجتماعی، حق بیمه های وصولی از مشمولین این قانون است؛ لذا این صندوق حق الناس محسوب و اهمیت حفظ و صیانت از آن دو چندان می شود. در این راستا مواد ۹۷ الی ۱۰۹ قانون تامین اجتماعی اختصاص به مقررات کیفری داشته، اشاره به اعمالی دارد که انجام آنها جرم محسوب می شود و از آنجا که در خصوص مقررات مزبور مطالعه دقیق و همه جانبه صورت نپذیرفته، آن چنانکه بتواند نیازهای مخاطبان را پاسخگو باشد؛ لذا در این مقاله به یکی از مواد کیفری قانون مزبور<sup>۱</sup> پرداخته و آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد. شاید این مطالعات بتواند سبب باز شدن بابی جدید تحت عنوان "حقوق کیفری تامین اجتماعی" باشد. در بیان مفهوم حقوق کیفری تامین اجتماعی این گونه آورده اند: «شاید بتوان مجموعه مقررات ناظر بر جرم و مجازات که از سوی مقنن در جهت حفظ منابع و منافع تامین اجتماعی و جلوگیری از تعرض به منابع سازمان پیش بینی شده را تحت عنوان حقوق کیفری تامین اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد» (عرب، ۱۳۸۵: ۱۵۸). ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی مقرر می دارد: «هر کس به استناد اسناد و گواهی های خلاف واقع یا با توسل به عناوین و وسایل تقلبی از مزایای مقرر در این قانون به نفع خود استفاده نماید یا موجبات استفاده افراد خانواده خود یا اشخاص ثالث را از مزایای مزبور فراهم سازد به پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر خسارات وارده به سازمان و در صورت تکرار به حبس جنحه ای از ۶۱ روز تا شش ماه محکوم خواهد شد».

بر این اساس و از آنجا که عنوان مجرمانه مزبور شباهت بسیار به جرم کلاهبرداری دارد، لیکن در حکم کلاهبرداری محسوب نمی شود؛ چرا که این امر مستلزم تصریح از سوی

۱. ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی.

قانونگذار است. کلاهبرداری از زمره جرائمی است که نوعی «اکل مال به باطل» محسوب می‌شود و تحت عنوان تعزیرات قابل مجازات است. در متون فقهی از کلاهبرداری تحت عنوان «احتیال» و از کلاهبردار به نام «محتال» (ابی‌عبد... شمس‌الدین، ۱۳۷۸: ۲۵۲) اسم برده شده است.

کلاهبرداری در کشور ما بر اساس قوانین موضوعه نخستین بار در سال ۱۳۰۴ ش. براساس ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مورد جرم‌انگاری واقع شد. بعد از انقلاب اسلامی ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به کلاهبرداری اختصاص یافت و در سال ۱۳۶۷ در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری پیش‌بینی شد. اما علاوه بر جرم کلاهبرداری که قانونگذار آن را در زمانهای مختلف مورد حکم قرار داده است؛ مقنن به جهت اهداف خاص که دنبال می‌کرده، برخی موارد که برغم شباهت به جرم کلاهبرداری در قالب جرم مزبور نمی‌گنجد را تحت عناوین خاص مجرمانه مورد حکم قرار داده و از این امر دو هدف را دنبال می‌کرده است

۱- رفع مشکل در خصوص عدم شمول حکم بر همه مصادیق؛

۲- اعمال مجازات بیشتر یا کمتر در خصوص مرتکب اینگونه اعمال.

ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی نیز از مواردی است که جهت تامین هدف اول قانونگذار وضع شده است. به عبارت دیگر، اگر می‌خواستیم همه مصادیق این ماده را منطبق با کلاهبرداری بدانیم، لیکن در عمل و در خصوص برخی مصادیق این امر میسر نمی‌شد؛ لذا به نظر می‌رسد قانونگذار جهت رفع این مشکل و به خاطر شمول حکم بر همه مصادیق اقدام به انشای نصی صریح کرده است تا بدین ترتیب به صیانت از اموال عمومی پرداخته باشد. پس از ذکر مقدمه مزبور از جهات مختلف به بررسی جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی به عنوان یکی از صور خاص کلاهبرداری خواهیم پرداخت.

## فصل اول: عناصر متشکله جرم موضوع ماده ۹۷ قانون

### مبحث اول: عنصر قانونی

برخی از نویسندگان حقوقی را نظر بر آن است که عنصر قانونی را نباید به عنوان یک مقوله مجزا مورد بررسی قرار داد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۳: ۱۱۶). هرچند در عمل نیز شاهد آن هستیم که نویسندگان مزبور در بسیاری مباحث بدون ذکر عنوان «عنصر قانونی» تحت عناوینی دیگر مانند تعریف، توضیح مصادیق جرم و ..... به بیان عنصر قانونی پرداخته‌اند (همو، ۱۳۸۲: ۲۴۲). درست است که این اندیشه در جهت ساختارشکنی و اعمال شیوه‌ای جدید از تبیین مطالب، مطلوب به نظر می‌رسد؛ لیکن به جهت شیوه معمولی که در بین حقوقدانان ایران مرسوم است و به تبعیت از ایشان در این نوشتار به عنصر قانونی جرم نیز اشاره می‌رود.

عنصر قانونی جرم استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی برخلاف حق، ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی است که در مقدمه بحث بدان اشاره شد. در اینجا نکته‌ای را که نباید از نظر دور داشت، این است که اگر جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی یکی از صور خاص کلاهبرداری محسوب شود؛ آیا با تصویب ماده ۱ قانون تشدید که از لحاظ زمان تصویب موخر بر قانون تامین اجتماعی است، ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی را می‌توان نسخ شده تلقی کرد یا خیر؟

در پاسخ به این سؤال، نظر اصولیین محل اختلاف است. به عبارتی در مبحث عام و خاص هرگاه حکم عام موخر بر حکم خاص باشد سه نظر ارائه شده است (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۲۱۳):  
**قول اول:** نظر شیخ طوسی و سید مرتضی است که این دو بر این اعتقاد بودند که حکم عام لاحق حکم خاص سابق را نسخ می‌کند.  
**قول دوم:** نظر اکثریت اصولیین است که معتقدند خاص مقدم عام موخر را تخصیص می‌زند؛

**قول سوم:** بر این است که باید توقف و به مرجحات رجوع کرد.  
 این مبحث در بین حقوقدانان و قضات محاکم نیز مطرح بود تا اینکه هیأت عمومی دیوانعالی کشور در سال ۱۳۵۰ به این مباحث و اختلافات پایان داد. براساس رأی هیأت عمومی<sup>۱</sup>، دیوانعالی کشور نیز نظر اکثریت اصولیین مبنی بر تخصیص خوردن عام لاحق بوسیله خاص سابق را پذیرفته است. بر این اساس و به عبارتی دیگر می‌توان گفت از نظر هیأت عمومی دیوانعالی کشور که در قالب رأی وحدت رویه صادر شده و لازم‌الاتباع و لازم‌الاجرا و در حکم قانون است، عام لاحق خاص سابق را نسخ نمی‌کند و بدین لحاظ ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی نیز که خاص و مقدم بر ماده ۱ قانون تشدید بوده است؛ ماده اخیرالذکر را تخصیص می‌زند و به بیان دیگر ماده ۱ قانون تشدید مصوب ۱۳۶۷ نسخ ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ نخواهد بود.

### مبحث دوم: عنصر مادی

عنصر مادی در عموم جرائم از سه بخش (رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال و نتیجه حاصله) تشکیل می‌شود.

۱. رأی وحدت رویه شماره ۲۱۲ سال ۱۳۵۰ مندرج در روزنامه رسمی ۱۳۵۰/۸/۶.

## بند ۱- رفتار فیزیکی

رفتار فیزیکی با توجه به نوع جرم ممکن است به شکل فعل مثبت یا منفی صورت پذیرد و منظور از شکل مثبت یا منفی رفتار فیزیکی همان فعل یا ترک فعل است. در خصوص جرم «سوء استفاده از مزایای قانونی تامین اجتماعی بر خلاف» باید گفت این جرم مستفاد از عبارت: «... به استناد اسناد و گواهی‌های خلاف واقع یا با توسل به عناوین و وسایل تقلبی از مزایای مقرر در این قانون استفاده نماید...» با فعل مثبت صورت می‌پذیرد، «استفاده کردن»، «توسل جستن» و «استناد کردن» هر سه از افعال مثبت هستند. بنابراین، چنانچه کارفرمایی، ترک کار مربوط به کارگر خویش را به سازمان اعلام نکند و خود کارگر نیز در این خصوص اقدامی انجام نداده باشد و از این طریق سابقه بیمه‌ای براساس گزارشات سابق بازرسان برای کارگر غیر شاغل محاسبه و از این طریق مزایایی به وی تعلق گیرد. (مثلاً از مزایای درمانی در این مدت استفاده کند)؛ این کارگر غیر شاغل و کارفرمای مربوطه را نمی‌توان براساس ماده ۹۷ و اعمال مقررات کیفری مورد مجازات قرار داد.

همچنین است در مورد کارگری که از مزایای بیمه بیکاری استفاده می‌کند و اشتغال مجدد خود را به سازمان گزارش و اعلام نکرده و از این طریق از مزایای بیمه بیکاری سازمان من غیر حق منتفع شود. در این مورد نیز عمل شخص را نمی‌توان مشمول ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی و مقررات کیفری دانست.

## بند ۲ - شرایط و اوضاع و احوال

### ۱- مقید بودن به وسیله

جرم سوءاستفاده از مزایای قانونی تامین اجتماعی جرمی است مقید به وسیله و از طریق اسناد و توسل به همان وسایلی که در جرم موضوع ماده ۹۷ (صدر ماده) آمده محقق می‌شود. در این ماده به دو نوع وسیله اشاره شده است:

- اسناد و گواهی خلاف واقع؛

- عناوین و وسایل تقلبی.

حال هر یک از این وسایل را به طور مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم:

### الف: اسناد و گواهی‌های خلاف واقع

اسناد جمع مکسر از سند است و براساس ماده ۱۲۸۴ ق م. سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد. گاهی به مطلق دلیل (اعم از نوشته و لفظی) گفته می‌شود که در این صورت مترادف با مدرک است. در اصطلاحات علوم راجع به فقه به روایت یک حدیث، سند گفته می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۳۶۴). گواهی در لغت به معنای شهادت است

و گواهی نیز گفته شده است (عمید، ۱۳۸۴: ۳۰۲). گواهی در اصطلاح به معنای تصدیق به کار گرفته شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۴۰۳). و تصدیق سندی رسمی است که از طرف دولت صادر می‌شود و به دارنده آن امتیاز اقدام به برخی از کارها را می‌دهد و در معنی وسیع تر تصدیق عبارت است از هرگونه سند که از هر مقام عمومی یا خصوصی صادر شود و به حال دارنده آن برای اقدام در کاری مفید باشد (همو، ۱۳۸۴: ۱۵۳).

در ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی هر یک از الفاظ «سند» و «گواهی» در معانی خاص خود به کار رفته‌اند. گواهی در معنای تصدیقی است که از طرف مقام ذی صلاح صادر و مجوز استفاده از مزایای مقرر در قانون تامین اجتماعی محسوب می‌شود. ویژگی «سند و گواهی» مندرج در ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی برخلاف واقع بودن آنهاست. در واقع اسناد خلاف واقع و گواهی‌های خلاف واقع از شرایط تشکیل جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی هستند با اضافه شدن قید «خلاف واقع» به وسایل مزبور یعنی «اسناد» و «گواهی‌ها» تفاوت اساسی بین ماهیت این وسایل حادث شده است.

اسناد برخلاف واقع، اسنادی هستند که ممکن است مجعول باشند یا نباشند؛ اما گواهی‌های برخلاف واقع قطعاً مجعول نیستند و صرفاً دروغی را درباره واقعه‌ای بیان می‌دارند. گواهی برخلاف واقع گواهی است که از طرف مقام صالح تنظیم می‌شود؛ لیکن با واقعیت و مآووقع منطبق نیست. اما گواهی که از طرف مقام غیر صالح ابتدا به ساکن ساخته می‌شود؛ دیگر گواهی خلاف واقع نبوده و سندی است برخلاف واقع که مجعول است.

در اینجا نکته‌ای که مطرح می‌شود این است که چنانچه شخصی (مقام غیر صالح) ابتدا به ساکن سندی را بسازد و از آنجا که این سند، خلاف واقع محسوب و مجعول است؛ اولاً، جعل بودن و عنوان مجرمانه جعل محرز و مسلم است؛ ثانیاً، چنانچه شخص از این سند در جهت استفاده از مزایای مقرر در قانون تامین اجتماعی استفاده کند، دو فرض متصور است: اول اینکه بیمه شده موفق به استفاده از مزایای مقرر در قانون تامین اجتماعی نشود که در این صورت علاوه بر جعل مرتکب جرم استفاده از سند مجعول گشته است؛ و فرض دوم اینکه بیمه شده موفق به استفاده از مزایای مقرر در قانون تامین اجتماعی شده و از این مزایا با استناد به سند خلاف واقع استفاده کند. در اینجا علاوه بر جعل با دو عنوان مجرمانه دیگر مواجه هستیم: یکی استفاده از سند مجعول و دیگری استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی برخلاف حق. به عبارت دیگر در اینجا با تعدد معنوی یعنی فعل واحد با دو عنوان مجرمانه مواجه هستیم که در مباحث آتی توضیح داده خواهد شد.

### ب: عناوین و وسایل تقلبی

قانونگذار تعریفی از عناوین و وسایل تقلبی ارائه نکرده است؛ لکن حقوقدانان هر یک به تعریفی از عناوین و وسایل تقلبی پرداخته‌اند. لفظ عنوان در ماده ۱ قانون تشدید نیز به کار رفته است. برخی از حقوق دانان منظور از عنوان را چنین بیان می‌کنند: «تیترا دانشگاهی و هر نوع مقام دولتی یا غیردولتی است. کسی که خود را پزشک، مهندس، استاد یا رئیس دانشگاه، وکیل دادگستری، کارشناس رسمی، قاضی، دکتر در حقوق، رئیس اداره گذرنامه، وزیر و نظایر آنها معرفی می‌کند، عنوان مجعول اتخاذ کرده است، عناوین دوستی و خویشاوندی نیز مشمول همین حکم می‌شود. مثلاً کسی را فرزند شخص معروفی واگرد کرده باشد» (میر محمد صادقی ۱۳۸۳: ۷۱).

حال چنانچه نیروی خدماتی شاغل در سازمان تامین اجتماعی که به اسناد و فرم‌های مخصوص بازرسی دسترسی دارد، با دستیابی به فرم‌ها و مهرهای لازم در این خصوص به یکی از کارگاه‌های مشمول قانون تامین اجتماعی مراجعه و خود را بازرس سازمان معرفی و از کارفرما بخواهد برای شخص الف فهرست حق بیمه ارسال کند؛ در این صورت از این طریق برای شخص الف سوابق بیمه‌ای ایجاد کرده و به اصطلاح برای شخص الف سابقه‌سازی کرده است. در این صورت، نیروی خدماتی مزبور با جعل عنوان موجبات استفاده از مزایای مقرر در قانون تامین اجتماعی را فراهم کرده است.

وسایل تقلبی را نیز قانونگذار بدون تعریف به کار برده است، برخی حقوقدانان وسایل تقلبی را چنین تعریف کرده‌اند: «عرفاً وسایل تقلبی شامل انواع مکر و حيله و خدعه و تقلب است» (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ۳۴۱). لذا با توجه به این تعریف به نظر می‌رسد نیازی به ذکر کلمه «عناوین» در ماده ۹۷ نباشد؛ چرا که براساس تعریف مزبور وسایل تقلبی شامل انواع تقلب برشمرده شده و یکی از وسایل تقلبی نیز عناوین تقلبی است. لیکن قانونگذار به جهت اهمیت خاص که این مورد داشته، مبادرت به ذکر آن در کنار وسایل تقلبی کرده است.

### بیان مصداق: استفاده از دفترچه درمانی دیگران و ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی

یکی از معضلاتی که دفاتر اسناد پزشکی در حیطه درمان غیرمستقیم سازمان تامین اجتماعی با آن مواجه هستند، استفاده غیر از دفترچه‌های درمانی است. به عبارت دیگر، استفاده از دفترچه‌های درمانی دیگران در هنگام مراجعه به مراکز درمانی است. در این خصوص، دفاتر اسناد پزشکی در هنگام انعقاد قرارداد با مراکز درمانی متن ماده ۹۷ را در اختیار پزشکان قرار داده تا در مطب خود جهت اطلاع عموم نصب کنند و نیز سازمان تامین اجتماعی در هنگام صدور دفترچه‌های درمانی متن ماده مزبور را در پشت برگه‌های دفترچه‌های درمانی جهت

اطلاع بیمه‌شدگان و سایر اشخاص مرتبط چاپ می‌کند. حال این سؤال مطرح است که چنانچه شخص با علم و اطلاع از این که دفترچه‌درمانی از وی نیست مبادرت به استفاده از دفترچه مزبور کند؛ آیا مشمول ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی خواهد بود یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا استفاده از دفترچه درمانی دیگری استناد به سند و گواهی تقلبی و خلاف واقع است یا خیر؟

در اینجا باید گفت این دفترچه (سند) تقلبی نیست و اصالت دارد چرا که براساس ضوابط قانونی بوسیله مرجع صالح ساخته و صادر شده است، پس تقلبی نیست. از طرف دیگر، برخلاف واقع هم نیست؛ چرا که سند برخلاف واقع سندی است که مفاد و محتوای آن بیان کننده چیزی باشد که برخلاف واقع و حقیقت باشد. حال آنکه دفترچه مزبور هیچ چیزی را برخلاف واقع نمی‌گوید؛ چرا که دقیقاً و براساس حقیقت بیان می‌دارد که متعلق به صاحب عکس‌الصافی در دفترچه است. در این میان، آنچه برخلاف حقیقت جلوه کرده دروغی است که بوسیله ارائه‌کننده دفترچه گفته می‌شود؛ زیرا استفاده‌کننده به دروغ دفترچه را متعلق به خود اعلام می‌کند. همچنین استفاده از دفترچه درمانی دیگری را نمی‌توان توسل به عناوین تقلبی دانست؛ چرا که عنوان تقلبی و مجعول به صورت معرفی خویش تحت عنوان و سمت رسمی و قانونی و یا تیترو دیپلم و درجه و مقامی است که شرایط استفاده از آنها مستلزم رعایت ضوابطی است (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۱۴۳). در اینجا با عنوانی رسمی مواجه نیستیم. اگر قانونگذار در ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی می‌خواسته استفاده‌کننده از دفترچه درمانی دیگری را یعنی شخصی که هویت الف دارد و خود را به جای شخص ب و صاحب دفترچه قلمداد می‌کند؛ مشمول ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی قرار دهد باید همانند ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاو اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ علاوه بر لفظ "عنوان تقلبی" به "اسم تقلبی یا مجعول" نیز اشاره می‌کرد. بنابراین دفترچه دیگری نه برخلاف واقع و نه تقلبی است و استفاده از آن نیز نه برخلاف واقع و نه تقلبی است؛ لذا استفاده از دفترچه درمانی دیگری مشمول ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی نخواهد بود. ممکن است این سؤال به ذهن خطور کند که آیا استفاده از دفترچه دیگری و تجویز نسخه در آن می‌تواند مشمول تصدیق خلاف واقع باشد؟ به عبارت دیگر، آیا تجویز و نوشتن دارو از سوی پزشک برای غیرصاحب دفترچه را می‌توان نوعی گواهی خلاف واقع دانست؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت پزشک موصوف با نوشتن نسخه، ارقام دارویی را صرفاً تجویز یا به عبارت دیگر به بیمار توصیه می‌کند و این بیمار است که می‌تواند به توصیه پزشک معالج عمل کرده و یا خلاف آن رفتار کند و گواهی مفهوم و معنای خاص خود را داشته با تجویز نسخه متفاوت است و اینکه تجویز نسخه را



نوعی گواهی بدانیم؛ این چنین تفسیر موسع در خصوص مصداق مزبور برخلاف اصول حاکم بر حقوق جزا خواهد بود.

## ۲- لزوم یا عدم لزوم اغفال سازمان

گفته شد جرم موضوع ماده ۹۷ قانون اجتماعی به لحاظ ماهوی کلاهبرداری است. در کلاهبرداری یکی از شرایطی که برای تحقق جرم مزبور ضروری است؛ اغفال و فریب قربانی است. قربانی جرم باید مال را با رضایت اما در نتیجه گول خوردن در اختیار مجرم قرار دهد؛ لیکن ممکن است این سؤال پیش آید که آیا ارتکاب جرم کلاهبرداری علیه دولت یا شرکت‌ها یا بطور کلی اشخاص حقوقی هم ممکن است یا خیر؟

اداره حقوقی قوه قضاییه در پاسخ به این سؤال چنین اظهار نظر کرده است: «با توجه به تعریفی که ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری از بزه کلاهبرداری کرده است، قید «دیگری» مزبور در آن ماده اعم خواهد بود از دولت یا سایر اشخاص و با این ترتیب می‌توان گفت کلاهبرداری از افراد عادی نسبت به دولت هم می‌تواند مصداق داشته باشد و ذکر کلمه مردم در قانون از باب غالب است، زیرا غالباً کلاهبرداری از مردم صورت می‌گیرد ولی اختصاص به غیردولت ندارد»<sup>۱</sup>.

برخی از نویسندگان حقوقی ضمن قبول و پذیرش نتیجه این نظریه استدلال به کار برده شده در آن را رد و این گونه نقد می‌کنند: «... ذکر کلمه مردم در قانون از باب غالب نیامده است بلکه فقط «مردم» یعنی افراد بشر می‌توانند فریب بخورند یا به امور غیر واقع امیدوار شوند یا بترسند، لیکن لزوماً اموال «مردم» یعنی اشخاص حقیقی برده نمی‌شود، بلکه چه بسا با فریب دادن مدیر عامل شرکت یا کارمند دولت اموال آن شرکت یا دولت برده شود... قانون نیز در عین حالی که از فریب مردم سخن می‌گوید از بردن مال «دیگری» سخن به میان آورده است، شاید این کار برای تأکید بر این نکته انجام شده است که نشان‌دهنده اموال غیر مردم هم قابل برده شدن بوسیله کلاهبردار است» (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۳: ۷۷).

با پذیرش هر یک از دو استدلال فوق، نتیجه ای واحد حاصل می‌شود و اینکه کلاهبرداری علیه اشخاص حقوقی نیز امکان‌پذیر است و در واقع کارمندان و کارکنان اشخاص حقوقی هستند که اغفال شده، فریب می‌خورند و متعاقباً مال شخص حقوقی برده می‌شود. در خصوص سازمان تامین اجتماعی باید اموال را به دو دسته تقسیم کرد:

اول- اموال اداری سازمان تامین اجتماعی مثل میز، صندلی، خودرو خدمت و ...؛

۱. نظریه شماره ۲۳۵۰/۷ مورخ ۱۳۷۵/۴/۴ اداره حقوقی قوه قضاییه.

دوم- وجوه صندوق تامین اجتماعی که حاصل از حق بیمه کارگر و درصد وجوهی است که بوسیله دولت و کارفرما به صندوق سازمان تامین اجتماعی پرداخته می‌شود تا کارگر بیمه شده بتواند از مزایای مقرر در قانون تامین اجتماعی استفاده کند.

استفاده از مزایای مقرر قانون تامین اجتماعی که در نهایت به استفاده از وجوه صندوق تامین اجتماعی منجر می‌شود؛ مورد دوم از تقسیم‌بندی فوق است. در واقع همین وجوه، موضوع جرم ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی است و با توسل به عناوین و وسایل تقلبی فی الواقع از محل همین وجوه استفاده می‌شود. اما سؤال این است که آیا در پرداخت مزایا باید اغفال و فریبی نسبت به کارمندان سازمان تامین اجتماعی صورت گیرد یا خیر؟

هرچند عملاً اکثر مصادیق جرم موضوع ماده ۹۷ دقیقاً منطبق بر کلاهبرداری است و در نتیجه اغفال و فریبی هم نسبت به کارمندان سازمان تامین اجتماعی صورت می‌گیرد؛ اما مواردی را نیز می‌توان ذکر کرد که برغم این که اغفال و فریبی نسبت به کارمند یا کارمندان سازمان تامین اجتماعی صورت نمی‌گیرد؛ ولی کماکان مورد، مشمول ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی است. چرا که ممکن است کارمند مربوطه با اطلاع از وضعیت اقتصادی فلان شخص، هنگامی که همکار وی یعنی بازرس سازمان برخلاف واقع نام وی را در گزارش خود به عنوان کارگر کارگاهی معرفی کرده است؛ سکوت اختیار کرده و براساس حس ترحم خدمات و مزایا را در اختیار شخص مزبور قرار دهد. در حالی که همچنان جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی محقق شده است.

قانونگذار به پیش‌بینی صور خاص کلاهبرداری پرداخته است بنا به دلایلی که قبلاً گفته شد و یکی از این موارد پیش‌بینی ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی است. چنانکه در مثال پیشین گذشت برغم این که توسل به وسایل متقلبانه صورت گرفته است؛ لیکن اغفال و فریبی صورت نگرفته، اما وجوهی از صندوق تامین اجتماعی برده شده است. بنابراین، قانونگذار برای پر کردن چنین خلایلی اقدام به تصریح در موارد خاص کرده است.

در مثال قبل می‌توان کارمندی را که با علم به خلاف واقع بودن گزارش بازرس سکوت اختیار کرده و اقدام به ارائه خدمات و مزایا کرده است؛ تحت عنوان معاونت در جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی تعقیب کرد. چرا که وی با سکوت خود وقوع جرم را تسهیل کرده است و می‌تواند مشمول بند ج ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی قرار گیرد.

در فرضی نیز که توسل به وسایل تقلبی بوسیله کارمند صورت می‌گیرد و بدین ترتیب موجبات استفاده دیگران را از مزایای قانون تامین اجتماعی فراهم می‌کند؛ قانونگذار خود در این حالت به جرم‌انگاری خاص پرداخته است و در ماده ۹۷ بعد از اینکه اشاره به توسل به وسایل تقلبی بوسیله شخص برای استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی برای خود می‌کند؛

اشعار می‌دارد: «با توسل به وسایل تقلبی ... موجبات استفاده افراد خانواده خود یا اشخاص ثالث را از مزایای مزبور فراهم سازد...». در این فرض نیز لزومی بر وجود اغفال و فریب سایر کارمندان و مسئولان بالاتر نیست.

### بند ۳ - نتیجه حاصله

#### شرط تحقق نتیجه

جرائم اصولاً از حیث شرط تحقق نتیجه از رفتار فیزیکی برای جرم بودن یا جرم نبودن عملی به دو دسته مطلق و مقید تقسیم می‌شوند. حال ببینیم جرم استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی بر خلاف حق جرمی مقید است یا مطلق؟ در بدو امر چنین به نظر می‌رسد که مستفاد از عبارت «... به نفع خود استفاده نماید» این است که استفاده از باب استفعال به معنای طلب فایده بردن است و لذا صرف ارائه اسناد و گواهی‌های خلاف واقع و توسل به وسایل تقلبی حاکی از طلب فایده است و جرم ثابت و محقق است و بر این اساس، جرم سوءاستفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی جرمی مطلق است که حصول نتیجه (حصول فایده) در تحقق آن تأثیری ندارد. شرحی که گذشت تفسیری ادبی از صدر ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی بود. مولفین مقاله حاضر بنا به دلایل زیر موافق چنین برداشتی نیستند:

اولاً، آنچه که از لفظ استفاده متبادر به ذهن است صرف طلب و درخواست فایده بردن نیست؛ بلکه چیزی فراتر از آن، یعنی تحصیل و وصول متعلق فایده است که در خصوص جرم موضوع صدر ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی تحصیل و وصول مزایای مقرر در قانون تامین اجتماعی است.

ثانیاً، اقتضاء تفسیر به نفع متهم، مقید بودن جرائم است. مضافاً اینکه در تقابل بین تفسیر ادبی و تفسیر به نفع متهم، تفسیر به نفع متهم حاکم است.

ثالثاً، مجازات مقرر برای این جرم نیز خود قرینه‌ای بر مقید بودن این جرم است؛ چرا که مجازات این جرم پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر خسارات وارده است. پس ورود خسارت و ضرر نتیجه تحقق این جرم است. بنابراین، جرم استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی بر خلاف حق جرمی مقید است و حصول نتیجه از شرایط تحقق این جرم محسوب می‌شود.

#### بیان مصداق

اگر بازرس بخش بیمه‌ای سازمان در گزارشات بازرسی خود نام الف را به عنوان کارگر فلان کارگاه بدون این که الف کارگر کارگاه مزبور باشد به سازمان تامین اجتماعی گزارش کند و الف براساس همین گزارش اقدام به دریافت دفترچه بیمه درمانی کند؛ آیا می‌توان کارگر الف

را به دلیل استناد به گواهی خلاف واقع (گزارش بازرس) به جرم موضوع صدر ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی محکوم کرد؟

در این فرض، رفتار فیزیکی و شرایط و اوضاع و احوال جرم موضوع صدر ماده ۹۷ محقق است. اما سؤال مطرح این است که آیا با دریافت دفترچه درمانی نتیجه جرم حاصل شده است یا اینکه باید در عمل از این دفترچه استفاده شود؟ یا به عبارتی به پزشکان و مراکز درمانی ارائه شده نسخ آن تحریر شود؟ آیا همین مقدار عمل می‌تواند بیانگر تحقق جرم موضوع صدر ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی باشد یا خیر؟ یا اینکه علاوه بر اینها برای تحقق جرم باید پزشک یا آن مرکز درمانی اسناد پزشکی مزبور را به دفاتر اسناد پزشکی تحویل داده و مابه‌التفاوت هزینه درمانی (سهام سازمان) را از تامین اجتماعی دریافت دارند تا بتوانیم بگوییم جرم مزبور محقق شده است؟ به نظر می‌رسد زمانی که صاحب دفترچه، دفترچه درمانی مزبور را به مراکز درمانی و پزشکان ارائه داده و هزینه مربوطه جهت وی با بیمه محاسبه می‌شود؛ در عمل استفاده محسوب و جرم موضوع صدر ماده ۹۷ تحقق یافته تلقی می‌شود.

### مبحث سوم - عنصر معنوی

قبل از پایان قرن دوازدهم، انسان همچون ابزار ارتکاب جرم بود. در آن زمان و قبل از آن، چیزهایی که موجب بروز صدمه و خسارت به انسان می‌شدند مورد حکم قرار می‌گرفتند و از بین می‌رفتند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۳: ۹۵). در دوره باستان حتی در دوره قرون وسطی حیوانات نیز دارای مسئولیت بودند و به مجازات می‌رسیدند. «در سفر اخبار یا سفر لاولین که از جمله اشعار خمسه تورات و شامل قسمتی از احکام و قوانین شریعت یهود در باب قتل عمل و قتل خطئی و غیره است؛ چنین آمده است: هرگاه گاو نری انسانی را به ضرب شاخ به هلاکت رساند آن گاو باید به ضرب سنگ کشته شود و گوشتش طعمه سگان شود» (محسنی، ۱۳۷۶: ۶). از آن زمان به بعد (اواخر قرن ۱۲) بود که به انسان و اراده او و نیت و قصد وی در ارتکاب جرائم توجه شد و انسان در صورتی قابل مجازات دانسته شد که ارتکاب جرم را با اختیار انتخاب کرده باشد.

جرم استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی بر خلاف حق از جمله جرائم عمدی است که مرتکب باید: اولاً، دارای سوءنیت عام - عمد در فعل - شامل عمد و اراده او در همه مراحل و اقدامات اجرایی بوده باشد. بر این اساس مرتکب باید در توسل به وسایل متقلبانه در استناد به اسناد و گواهی‌های خلاف واقع از یک سو و از سوی دیگر در استفاده از مزایای مقرر در قانون تامین اجتماعی بطور کامل مختار بوده و از روی علم و عمد انجام دهد. «علم یعنی اطلاع و آگاهی از اینکه وسایلی که استعمال می‌شود، خلاف واقع و تقلبی است و اینکه وی

صلاحیت قانونی استفاده از مزایای مقرر را ندارد و عمد و اراده یعنی خواستن به کارگیری وسایل تقلبی جهت برخورداری از مزایای مقرر به نفع خود یا دیگری» (جعفری، ۱۳۸۴: ۹۶).

جزء دوم عنصر روانی جرم استفاده از مزایای قانونی تامین اجتماعی بر خلاف حق سوءنیت خاص یعنی قصد استفاده کردن از مزایای مزبور است. کارفرمایی برای اینکه به همکاران خود بفهماند که سامانه نظارت و بازرسی سازمان تامین اجتماعی کارایی لازم را جهت جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی ندارد؛ بدین جهت در فهرست حق بیمه، نام افراد غیرشاغل یا نام خود را که کارفرما است درج و به شعب سازمان ارسال می‌دارد و بر اثر سهل‌انگاری کارکنان سازمان این امر تشخیص داده نمی‌شود و برای اشخاص مزبور، من غیر حق سابقه بیمه‌ای ایجاد می‌شود و براساس سابقه‌ای که برای اشخاص مزبور ایجاد می‌شود؛ این اشخاص از مزایای درمانی یا سایر مزایای مقرر در قانون تامین اجتماعی به نفع خود استفاده می‌کنند.

در اینجا عمل کارفرمای مزبور تحت عنوان مجرمانه «استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی خلاف حق» قابلیت مجازات و تعقیب را نخواهد داشت؛ چرا که قصد وی از استناد به اسناد و گواهی‌های خلاف واقع (ارسال فهرست کذب) اثبات این موضوع به همکاران خود بوده که سامانه فعلی سازمان تامین اجتماعی کارایی لازم جهت جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی را ندارد و نه استفاده از مزایای مقرر در قانون تامین اجتماعی.

نکته دیگر در مثال فوق‌اینکه حتی اگر کارفرما بعد از ارائه فهرست پرداخت حق بیمه قصد استفاده از مزایا را کند کماکان مجرم نخواهد بود. چرا که اقتران زمانی بین عمل کارفرما/ عنصر مادی و قصد استفاده از مزایا/ عنصر معنوی وجود ندارد.

## فصل دوم: شروع به جرم در جرائم موضوع ماده ۹۷ قانون

در حال حاضر، شروع به جرم براساس قوانین فعلی در صورتی قابل مجازات است که به عنوان جرمی مستقل تعیین شده باشد. یا اینکه به صراحت بوسیله قانونگذار به قابل مجازات بودن شروع به جرم جرائم اشاره شده باشد. در مورد شروع به جرائم ماده ۹۷ تامین اجتماعی می‌توان گفت همه اقداماتی را که متصل به زمان حصول نتیجه است می‌توان شروع به جرم محسوب کرد. به عبارت دیگر، یک لحظه قبل از تحقق نتیجه که همان ورود خسارت به سازمان تامین اجتماعی و استفاده بالفعل از مزایای مقرر در این قانون است. لیکن این شروع به جرم بوسیله مقنن جرم‌انگاری نشده و قابل مجازات نخواهد بود.

## فصل سوم: معاونت در جرم استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی برخلاف حق

### مبحث اول- معاونت در جرم موضوع صدر ماده ۹۷

قانونگذار تعریفی از معاونت در جرائم ارائه نکرده است؛ لیکن برخی حقوقدانان با عنایت به ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی معاونت در جرم را این گونه تعریف کرده‌اند: «معاونت آن است که کسی بدون آن که در عنصر مادی جرم شخصاً دخالت داشته باشد، مرتکب اصلی را در ارتکاب رفتار مجرمانه از طریق تحریک، تشویق، ترغیب، تهدید، دسیسه، فریب، نیرنگ، تسهیل ارتکاب جرم، تهیه وسایل و ارائه طریق مساعدت و یاری نماید» (شکری و سیروس، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

حقوقدانان شرایطی را برای تحقق معاونت در سیستم حقوقی ایران ذکر کرده‌اند: «جرم بودن عمل ارتكابی مجرم اصلی، توافق در قصد بین عمل مباشر و معاون جرم- تقدم یا اقتران زمانی عمل مجرمانه- انجام یکی از اعمال پیش‌بینی شده در قانون» (محسنی، ۱۳۷۶: ۹۴). برای عملی که مصداق معاونت باشد به ۴ نوع بوسیله قانونگذار مجازات پیش‌بینی شده است:

- مواردی که صرف مجازات خاص پیش‌بینی شده است، مانند تبصره ماده ۲۰۸ و ماده ۲۶۹ قانون مجازات اسلامی؛

- در مجازاتهای تعزیری که حداقل و حداکثر دارند و مجازاتی خاص پیش‌بینی نشده حداقل مجازات قانونی است؛

- در مواردی که به صراحت مجازات خاص پیش‌بینی نشده (چه در تعزیرات و چه در غیر آن) و در تعزیراتی که دارای حداقل و حداکثر نیستند، براساس ماده ۴۳ ق م ا عمل خواهد شد؛

- در مواردی که برخی از مصادیق معاونت به عنوان جرم مستقل تعیین شده است، مثل ساخت کلید در ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی.

در خصوص جرم استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی برخلاف حق، قانونگذار فقط یکی از مصادیق معاونت را به عنوان جرم مستقل شناخته است. براساس قسمت اخیر ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی فراهم کردن موجبات استفاده دیگران با توسل به وسایل تقلبی و گواهی‌های خلاف به عنوان جرمی مستقل شناخته شده و مجازاتی برابر با مجازات مباشر جرم تعیین شده است.

برای سایر مصادیق معاونت (تحریک، تطمیع، ترغیب و...) غیر از تسهیل به طریق قسمت اخیر ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی باید براساس عموماً مقرر در قانون مجازات اسلامی تعیین مجازات شود. جرم موضوع صدر ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی جرمی تعزیری است و

مرتکب این جرم برای بار اول به جزای نقدی به میزان دو برابر خسارات وارده به تامین اجتماعی محکوم خواهد شد.

مجازات مزبور صرف نظر از اینکه تعزیری باشد یا بازدارنده، چون دارای اقل و اکثر نیست و مجازاتی ثابت است؛ لذا نمی‌توان بر اساس ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی که حداقل مجازات مقرر در قانون را برای مباشر جرم پیش‌بینی کرده، تعیین مجازات کرد. در این مورد باید براساس ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی که ماده عام راجع به معاونت است تعیین مجازات کرد. (که این امر نیز در حال حاضر و با توجه به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها مشکل می‌کند).

### **مبحث دوم: فراهم کردن موجبات استفاده دیگران از مزایای قانون تامین اجتماعی، معاونت به عنوان جرم مستقل**

قانونگذار در قسمت اخیر ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی اشعار می‌دارد: «... یا موجبات استفاده افراد خانواده خود یا اشخاص ثالث را از مزایای مزبور فراهم سازد به پرداخت جزای نقدی معادل...». این عبارت عنصر قانونی جرم مستقل مزبور را فراهم می‌آورد. در خصوص جرم موضوع قسمت اخیر ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی نیز این سوال اساسی مطرح است که آیا فراهم کردن موجبات استفاده دیگران از مزایای قانون تامین اجتماعی باید حتماً با توسل به وسایل مزبور در صدر ماده ۹۷ ارتکاب یابد یا خیر؟ در مباحث اصولی و منطقی هرگاه قید یا شرطی در صدر یک حکم آورده شود آن قید به همه اجزاء و قسمت‌های مختلف حکم بر می‌شود. لذا قید «توسل به اسناد و گواهی‌های خلاف واقع و یا وسایل تقلبی» به هر دو قسمت ماده ۹۷ یعنی «استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی برای خود» و نیز «فراهم کردن موجبات استفاده دیگران» مربوط و راجع است.

### **فصل چهارم: تعدد و تکرار در جرائم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی**

اسباب و جهات تشدید مجازات در یک طبقه‌بندی به کیفیات مشدده عینی و شخصی تقسیم می‌شوند. کیفیات مشدده عینی وقایع خارجی هستند که اگر با افعال مادی جرم مقارن شود به حدت و خطرناکی آن می‌افزاید. مثل به کار بردن سلاح در ماده ۶۰۷ و کیفیات مشدده شخصی به اوصاف و صفات بزهکار اعم از مباشر و معاون و شرکاء جرم بر می‌شود. مثل مستی مرتکب در ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۲۱۷). در تقسیم‌بندی دیگر کیفیات مشدده به عام و خاص تقسیم می‌شوند. شرح و تقسیم کیفیات مشدده خاص در فوق گذشت. کیفیات عام به جرمی خاص تعلق ندارند و عموم جرائم را شامل می‌شوند. این

اوصاف و کیفیات دو قسم هستند: تعدد جرم و تکرار جرم. در خصوص ماده ۹۷ نیز همچون سایر جرائم، قواعد عام تعدد و تکرار جاری است؛ لکن نکته قابل ذکر در این خصوص و در ارتباط با جرائم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی اینکه، این جرائم یعنی جرم «استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی بر خلاف حق» و جرم «فراهم کردن استفاده دیگران از مزایای قانون تامین اجتماعی»، جرائمی متفاوت بوده و برای هر کدام باید مجازات علی حده تعیین شود. هرچند مجازات هر دو جرم در ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی مساوی و یکسان تعیین شده است.

اگر کارگری بیمه شده با جعل گواهی کمیسیون‌های پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تامین اجتماعی، اقدام به استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی کند؛ وی مرتکب ۳ جرم متعدد متفاوت شده است: ابتدا گواهی را جعل و سپس از این سند مجعول استفاده کرده و در نهایت مرتکب جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی شده است. حال سؤال این است که بین این جرائم چه نوع تعددی برقرار است. آیا حالت چنین مرتکبی تعدد مادی است یا معنوی؟ حالت بین جعل گواهی و جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی تعدد مادی از نوع متفاوت است. چرا که عنصر مادی آنها و حتی زمان وقوع آنها متفاوت از هم است. اما سؤال اساسی این است که آیا بین جرم استفاده از گواهی مجعول مزبور و جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی تعدد معنوی برقرار است یا خیر؟ این سؤال در خصوص استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری نیز مطرح بوده است. اکثریت حقوقدانان را نظر بر این است که بین استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری تعدد معنوی برقرار است (کلدوزیان، ۱۳۸۴: ۳۰۲).

به نظر ما در خصوص استفاده از سند مجعول و جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی نیز تعدد معنوی حاکم است. براساس ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی، هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدد مجرمانه باشد؛ وضعیت تعدد معنوی حاکم است. در جرم موضوع ماده ۹۷ فعل، توسل جستن به وسیله تقلبی است که در واقع بر همین فعل «توسل جستن» عنوان استفاده از سند مجعول، نیز صدق می‌کند؛ پس در اینجا فعل واحد دارای دو عنوان متعدد مجرمانه، یکی استفاده از سند مجعول موضوع ماده ۵۳۶، قانون مجازات اسلامی و دیگری استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی با توسل به وسایل تقلبی است. در نهایت بین جعل گواهی و استفاده از گواهی مزبور براساس رأی وحدت رویه شماره ۱۱۸۸-۱۳۳۶/۳/۳۰ حتی اگر جاعل و استفاده کننده یک نفر باشد؛ تعدد مادی برقرار است. فلذا اگر کارگری با جعل گواهی کمیسیون‌های پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تامین اجتماعی و سپس با ارائه آنها به سازمان نتواند از مزایای مقرر در قانون تامین اجتماعی استفاده کند؛ به استناد ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۴۷ همان قانون و رأی وحدت رویه مزبور باید به دو جرم جعل و



استفاده از سند مجعول محکوم شود. لیکن چنانچه وی موفق به استفاده از مزایای مقرر در قانون تامین اجتماعی شود و موجب ورود خسارت به سازمان تامین اجتماعی شود؛ محکوم به مجازات جرائم جعل و جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی خواهد شد.

## فصل پنجم: مجازات جرائم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی، صلاحیت

### محاکم و تشریفات رسیدگی

قانون تامین اجتماعی مصوب تیر ۱۳۵۴ است. در قوانین قبل از انقلاب به تقسیم‌بندی سه‌گانه مجازاتها (جنایت، جنحه و خلاف) آثار و نتایج متعدد بار بود. از جمله تعیین صلاحیت محاکم، تشریفات رسیدگی، مرور زمان و شروع به جرم. با نسخ قوانین قبل از انقلاب امروز تقسیم‌بندی سه‌گانه فوق نیز منتهی است. لذا آثار و نتایجی بار بوده به این تقسیم‌بندی منتفی شده است. نکته قابل ذکر در خصوص رسیدگی به جرائم ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی این است که طبق ماده ۱۰۷ همین قانون، رسیدگی خارج از نوبت خواهد بود. مطابق ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری، قواعد مرور زمان در مجازاتهای بازدارنده و اقدامات تامینی مجری است. جرم استفاده از مزایای مقرر در قانون تامین اجتماعی همانطور که در مقدمه نیز اشاره شد، ماهیتاً کلاهبرداری است. کلاهبرداری نوعی اکل مال به باطل است که در فقه تحت عنوان احتیال مطرح بوده است. بر همین اساس، این جرم دارای سابقه فقهی و جزء جرائم تعزیری به معنای خاص است. فلذا مشمول قواعد مربوط به مرور زمان نمی‌شود.

جرم دوم ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی یعنی فراهم کردن استفاده دیگران از مزایای قانون اجتماعی (با توسل به وسایل تقلبی) یکی از مصادیق معاونت به عنوان جرم مستقل است که از نوع مجازاتهای بازدارنده است. فلذا قواعد مرور زمان در این خصوص مجری خواهد بود. کسی که برای بار دوم مرتکب جرائم ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی شود؛ به حبس از ۶۱ روز تا ۶ ماه محکوم خواهد شد. قانونگذار در ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، محاکم را از حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز منع کرده است. بنابراین در خصوص جرائم ماده ۹۷ نیز اگر نظر دادرس بر تعیین حبس کمتر از ۹۱ روز باشد؛ باید آن را به جزای نقدی تبدیل کند.

میزان و نوع مجازات مقرر در ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی از لحاظ امنیت قضایی محل ایراد است و باید مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد. مجازات ناچیز مقرر در این ماده علاوه بر عدم تامین اهداف مجازاتها (بازدارندگی، پیشگیری فردی و عمومی) (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۳۲۳) امنیت قضایی را نیز اساساً زیر سؤال برده است. فرض کنید کارگری با جعل گواهی و استفاده از آن درصدد استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی بر می‌آید؛ اما موفق به استفاده نمی‌شود. این

فرد باید براساس ماده ۴۷ و ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی علاوه بر مجازات جرم جعل به مجازات جرم استفاده از سند مجعول نیز محکوم شود. میزان مجازات استفاده از سند مجعول طبق ماده ۵۳۶ ق م ا حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا ۳ تا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی است. حال اگر این کارگر موفق به استفاده از مزایا می‌شد، دیگر به مجازات استفاده از سند مجعول محکوم نمی‌شد و حکم به مجازات ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی صادر می‌شد که برای بار اول معادل دو برابر خسارت وارده به سازمان و برای بار دوم و بیشتر ۶۱ روز تا ۶ ماه حبس است. با مقایسه میزان مجازاتهای مقرر در ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی مشخص می‌شود که بین آنها چه تفاوت فاحش وجود دارد. این در حال، کارگر جاعل وقتی نتواند از مزایا استفاده کند باید به مجازاتی کمتر محکوم شود از حالت دوم یعنی زمانی که موفق به استفاده از مزایا می‌شود. اما این قضیه جریانی عکس داشته و مجازات حالت اول بیشتر از حالت دوم است. در چنین نظام قضایی تقنینی آن حس آرامش و اطمینان دست نخواهد داد که باید از وضع و اجرای قوانین در شهروندان جامعه متمدن و آگاه ایجاد شود.

## نتیجه گیری و پیشنهادات

### الف- نتیجه گیری

ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی به جهت شرایط خاص تحقق جرایم مندرج در آن، از حیث مرتکب، ابزار، مکان تحقق جرم و... در مقام وضع و بیان جرایم خاص و جدیدی در حوزه تامین اجتماعی بوده است. در جرایم مندرج در ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی، وسیله (گواهی خلاف واقع، سند تقلبی) شرط تحقق جرایم مزبور بوده و وسیله شرط تحقق جرم قلمداد شده است. جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی صورتی خاص از کلاهبرداری قلمداد شده است. برخلاف کلاهبرداری اغفال سازمان (قربانی جرم) شرط اساسی برای تحقق جرم نیست و در مواردی برغم فقدان اغفال و فریب نسبت به سازمان تامین اجتماعی کماکان مورد مشمول ماده ۹۷ خواهد بود. سیاست کیفری در خصوص مقررات ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی به جهت عدم اصلاح مقررات کرده و عدم تناسب جرایم و مجازاتهای مزبور سیاست کارآمدی نبوده، از دو جهت حفظ نظم عمومی و جنبه ارعابی و پیشگیرانه کافی برای تامین اهداف کیفری نیست. مضافاً اینکه علاوه بر اهداف عام مقررات کیفری، جرایم مندرج در ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی در خصوص اهداف خاص تامین اجتماعی (حفاظت از صندوق سازمان تامین اجتماعی) نیز کافی برای تامین اهداف مقنن نیست. جرایم ماده ۹۷ قانون تامین اجتماعی نتوانسته در همه ابعاد نیازهای کیفری تامین اجتماعی مطابق با اهداف مقنن را تامین کند. به عنوان مثال، استفاده از دفترچه درمانی دیگری بر خلاف گستردگی و اهمیت موضوع منطبق با

هیچ کدام از مقررات کیفری نبوده و مقررات خاص تامین اجتماعی در این خصوص نتوانسته آن را پوشش دهد. علاوه بر این مقررات غیر کیفری نیز در این خصوص تدوین نشده است. قانونگذار پس از انقلاب نتوانسته و حتی در صدد اصلاح و رفع نقایص مندرج در این ماده از حیث نوع مجازات، عدم تناسب جرم با مجازات در مقایسه با عناوین مشابه و... بر نیامده است.

## ب- پیشنهادات

- تدوین و تصویب مقررات خاص در خصوص مجاری سوء استفاده، در جهت تامین اهداف خاص تامین اجتماعی؛
- گسترش بیمه‌های همگانی در همه ابعاد اعم از درمانی، پیری، از کارافتادگی و ... و عملیاتی کردن سیاست‌های مزبور؛
- ارائه آگاهی‌های لازم به بیمه‌شدگان و کارفرمایان در هنگام مراجعه به شعب تامین اجتماعی و تفهیم این مطلب به آنها که صندوق تامین اجتماعی، متعلق به خود آنهاست و خود می‌بایست حافظ آن باشند؛
- سیاست‌گذاری در جهت حفاظت از آماج بزهکاری براساس نظریه‌های بزه دیده شناختی از طریق آموزش بیمه‌شدگان، کارکنان، کارفرمایان و تغییر مکانیسم‌های ارائه خدمات؛
- ایجاد مراجع غیرقضایی با حضور اعضای آشنا به مسائل تامین تامین اجتماعی جهت حفظ منافع سازمان و بیمه شدگان.

## منابع و مآخذ

۱. ابی‌عبدا...، شمس‌الدین محمدبن‌جمال‌الدین مکی‌العالمی (شهید اول). (۱۳۷۸)، *لمعه دمشقیه*. ترجمه و تبیین علی شیروانی، جلد دوم، (چاپ دوازدهم)، تهران: دارالفکر.
۲. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۲)، *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم، (چاپ ششم)، تهران: میزان.
۳. امینیان، عباسعلی. ۱۳۶۹، *نیمسال دوم، جزوه درس تامین اجتماعی*. شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی.
۴. جعفری، فریدون. (۱۳۸۴)، «استفاده متقلبانه از مزایای تامین اجتماعی». *فصلنامه داخلی (قوانین و مقررات)*، پیش‌شماره، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری آهنگ آینه.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۴)، *ترمیمولوژی حقوق*. (چاپ پانزدهم)، تهران: گنج دانش.
۶. ----- (۱۳۸۱)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. جلد چهارم، (چاپ دوم)، تهران: گنج دانش.
۷. شکر، رضا، سیروس، قادر. (۱۳۸۴)، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*. (چاپ چهارم)، تهران: مهاجر.
۸. عراقی، سیدعزت‌الله. (۱۳۸۲)، «اهمیت و جایگاه حقوق تامین اجتماعی». *فصلنامه حقوق تامین اجتماعی*، پیش‌شماره، مؤسسه فرهنگی هنری آهنگ آینه.
۹. عرب، مرتضی. (۱۳۸۵)، «عنوان خاص مجرمانه در حقوق تامین اجتماعی». *فصلنامه داخلی قوانین و مقررات تامین اجتماعی*، شماره ۵، مؤسسه فرهنگی هنری آهنگ آینه.

۱۰. عمید، حسن. (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی عمید. جلد سوم، تهران: امیرکبیر.
۱۱. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۳)، حقوق جزای اختصاصی. (چاپ دهم)، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. ----- (۱۳۸۴)، حقوق جزای اختصاصی. (چاپ یازدهم)، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. ----- (۱۳۸۴)، محشای قانون مجازات اسلامی. (چاپ ششم)، تهران: مجد.
۱۴. محسنی، مرتضی. (۱۳۷۶)، مسئولیت کیفری. جلد سوم، (چاپ اول)، تهران: گنج دانش.
۱۵. محمدی، ابوالحسن. (۱۳۸۵)، مبانی استنباط حقوقی. (چاپ بیست و ششم)، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. موسوی الخمینی، روح... (۱۳۴۲)، تحریر الوسیله. ترجمه علی اسلامی، جلد چهارم، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه عملیه قم).
۱۷. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۸۲)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی. (چاپ سوم)، تهران: میزان.
۱۸. ----- (۱۳۸۳)، جرائم علیه اموال و مالکیت. (چاپ یازدهم)، تهران: میزان.

Archive of SID